

بررسی تاثیرپذیری شاخص معنی کیفیت محیطی از تحولات مسکن (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی بخش سنگر شهرستان رشت)^۱

حمید زیران

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

محمد باسط قریشی^۲

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تیمور آمار

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

عیسی پوررمضان

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴

چکیده

ویژگی‌های اقلیمی در استان گیلان موجب شده است تا شرایط این استان از نظر جغرافیایی نسبت به سایر استان‌های کشور متفاوت باشد. شرایط پرباران این استان در نحوه زندگی و ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ساکنان آن تأثیر فراوان داشته است. به طوری که در پی این تأثیرات، شاهد تحولات جغرافیایی مسکن روستایی در این منطقه از کشور هستیم. در شرایطی که ساختار مسکن روستایی باید در سایه توجه به شرایط و عوامل محیطی هر منطقه باشد و تحولات، متأثر از متغیرهای محیط قرار گیرد، اما به نظر می‌رسد که در بخش سنگر شهرستان رشت این رابطه در بعضی از نقاط روستایی و به دلایل مختلف، حالت نامأنوسی به خود گرفته است؛ تمامی این تحولات در تجمیع با یکدیگر اثری بر مسکن این بخش گذاشته‌اند که بر کیفیت محیطی را نیز تحت شعاع خود قرار داده‌اند؛ در بخش سنگر روند تحولات به خصوص در شیوه زندگی روستاییان سریعاً تغییر یافته است و به طوری که طی چند دهه اخیر، روستاها، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، از لحاظ زیستی و فرهنگی، دچار دگرگونی فزاینده‌ای شده‌اند. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که تحولات مسکن یک دهه اخیر بخش سنگر شهرستان رشت چه تأثیری بر مؤلفه معنی نواحی روستایی گذارده است؟ برای رسیدن به این مهم، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به کارگیری آزمونهای آنالیز واریانس یک طرفه، همگنی کای دو، رگرسیون خطی و آزمون T یک طرفه و زوجی، به ارزیابی هر کدام شاخص‌ها پرداخته شده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۴ پرسشنامه در روستاهای مورد مطالعه توزیع گردیده است. این پرسشنامه‌ها تأثیرپذیری کیفیت محیطی را در مقابل تحولات مسکن از طریق مؤلفه معنی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که کیفیت محیطی روستاهای شهرستان رشت در دهه گذشته بهبود یافته است و این که بهره‌گیری از دانش بومی در تحولات مسکن و ایجاد شاخص معنی باعث ارتقاء کیفیت محیطی منطقه شده است.

واژگان کلیدی: مؤلفه معنی، کیفیت محیطی، شهرستان رشت، بخش سنگر.

۱- این مقاله برگرفته از مباحث رساله دکتری حمید زیران با عنوان "تبیین نقش تحولات مسکن بر کیفیت محیطی نواحی روستایی بخش سنگر شهرستان رشت در یک دهه اخیر" به راهنمایی آقای دکتر محمد باسط قریشی و مشاوره آقای دکتر تیمور آمار و آقای دکتر عیسی پوررمضان می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت ارائه شده است.

۲- نویسنده مسئول مقاله: ghoreshi@iaurasht.ac.ir

مقدمه

به دلیل سکونت ۴۷ درصد جمعیت جهان در نواحی روستایی (Hamed, 2012) و وجود مسائلی همچون مهاجرت کارگران و کشاورزان روستایی (Bentley, 2003)، تخلیه جمعیتی روستاها و پیامدهای ناشی از آن، بهبود کیفیت استانداردهای زندگی و توجه به سرزندگی مناطق روستایی از جمله اهداف سیاست‌مداران کشورهای مختلف قرار گرفته است. سرزندگی روستایی (بخشی از عملکرد و تغییر جامعه روستایی بوده و اینکه آن‌ها به چه نحو موجب پایداری و بهبود سرزندگی جوامع روستایی می‌شود در راستای کامیابی یک ناحیه ضروری است (Cremona & Tisdale, 2003). سرزندگی جوامع روستایی وابسته به زیرساخت‌های مطلوب و پایدار جوامع، دسترسی به خدمات، افزایش مشاغل و فرصت‌های اقتصادی و به‌کارگیری دستورات سیاسی در راستای تقویت نتایج است (Golkar, 2001). یکی از عوامل مؤثر در سرزندگی جوامع روستایی، وجود مسکن باکیفیت است. مسکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای تیپ‌های مختلفی است. این مسکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معیشت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستاییان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت در این مسکن استانداردهای لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه روستایی به شمار می‌رود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در واقع وجود مسکن مناسب به نیازهای اساسی انسان پاسخ داده و باعث بهبود کیفیت زندگی انسان می‌شود (Hannachi & Kousheshgaran, 2008). تأمین کیفیت مسکن یکی از اهداف اصلی در برنامه‌های مسکن در کشورهای توسعه‌یافته است. در ایران که فرآیند مدرنیزاسیون را با شتاب تجربه می‌کند، چگونگی تأمین کیفیت در مسکن یکی از چالش‌های جدی فراروی برنامه‌ها و سیاست‌های مسکن است. همان‌طور که می‌دانیم، مسکن یکی از نیازهای مهم انسان تلقی می‌گردد به همین جهت سیاست‌گذاری مربوط به مسکن در تمامی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در گذر زمان سیر تکوینی زندگی اجتماعی باعث دگرگونی در شیوه زندگی گردید که موجب شد انسان شکل‌های متفاوتی از مسکن را تجربه کند. در دهه‌های اخیر با رشد و پیشرفت تکنولوژی در ابعاد مختلف زندگی و حرکت به سوی مدرن شدن، تحولات مسکن نیز شتاب بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. بدون در نظر گرفتن شاخص‌های کیفیت محیطی، شکل‌گیری مسکن که قرار بوده سازنده محمل امن و آسایش روانی انسان باشد، با اثرات بازخورد فشار از محیط، این خصوصیات خود را از دست خواهد داد. مسکن روستایی دارای مبانی اقلیمی، محیطی، معیشتی، فرهنگی و فنی است. این مبانی رمزگشای این واقعیت است که مسکن روستایی در تعامل انسان با طبیعت متبلور شده است. آنچه که امروزه به‌عنوان یک رویکرد جدید و یک ضرورت به آن توجه می‌شود، توسعه پایدار و به‌تبع آن معماری پایدار است که در مسکن بومی روستایی ایران قرن‌ها حائز اهمیت بوده است. موضوعی که امروزه در ساخت‌وسازهای غیربومی در روستاها از آن غافل شده و یا به نقش طبیعت و حفظ و نگهداری کیفیت محیطی روستا به واسطه استفاده از انرژی‌های پاک طبیعی در احداث مسکن به‌صورت ناچیز به آن پرداخته شده است.

ساخت و ساز مسکن روستایی نوعی دخالت در محیط طبیعی یک روستا محسوب می‌شود. به‌واسطه هرگونه دخالت (در اینجا منظور مسکن روستایی) در روستا، منظر و کیفیت محیطی روستا تغییر خواهد نمود. ورود تکنولوژی

ناهمگون با محیط زیست روستا اثری مخرب بر کیفیت محیطی نواحی روستایی خواهد گذاشت. برای جلوگیری از رویداد ذکر شده در فرآیند استفاده و احداث مسکن به‌کارگیری تفکرات بومی، از به‌کارگیری مصالح و فناوری بومی گرفته تا بازیافت در فرآیند بازسازی و بهسازی لازم، منطقی و ضروری بوده به سرزندگی و کیفیت محیط اثر خواهد گذاشت.

گرایش به طبیعت یکی از باورها و نیازهای فطری انسان امروزی است. این مقوله حفظ طبیعت و بهبود کیفیت محیطی را بیش از پیش اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. زندگی در مکان سکونتی طبیعت‌گرا میل و گرایش به سمت بهبود و افزایش کیفیت محیطی را به وجود می‌آورد. اگرچه گذر زمان تغییر در نیازها و مفاهیم را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما برخی نیازهای بشر مثل تعامل با طبیعت دارای بن‌مایه‌های پایداری است. به‌طوری که معیشت روستاییان در پیوندهای عمیق باکیفیت محیط قرار دارد. به همین جهت شکل‌گیری محیط مصنوعی چون مسکن می‌بایست متأثر و همسو با فاکتورهای کیفیت محیطی مرتبط با آن محیط شکل گیرد. در حقیقت می‌توان گفت لحاظ کردن عوامل جغرافیایی در ساخت‌وساز مسکن یکی از عوامل حفظ پایداری نواحی روستایی و به‌تبع آن بهبود کیفیت محیطی روستا تلقی می‌گردد؛ زیرا اثرات منفی بازخورد تحولات نامأنوس مسکن را در درازمدت کاهش خواهد داد. در بخش سنگر در دهه‌های اخیر، نحوه ساخت مسکن دگرگون شده و موجب گردید که تغییرات مانند قبل در راستای استفاده از مصالح محیط طبیعی و مطابقت با آن و در نظر گرفتن کیفیت محیطی نباشد و بیشتر در زمینه اخذ الگوهای جدیدی قرار گیرد که عمدتاً وارداتی هستند. لازم است که هر روستایی در این بخش، با توجه به شرایط محیطی و انسانی منطقه‌ای که در آن قرار دارد، شکل و بافت و شرایط محیطی ویژه آن مکان را درک نموده و اثرات آن را در طراحی و ساخت مسکن خویش به کار گیرد.

برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه به برنامه‌ریزی محیطی لازم و ضروری است. تا در سایه آن بتوان در حوزه‌های مختلف، به ارزیابی‌هایی پرداخت و میزان اثرگذاری هر عامل را شناسایی کرد. امروزه تحولات مسکن به‌عنوان یکی از این عوامل راهی را پیموده است که نتیجه آن فشار به برخی از شاخص‌های کیفیت محیطی در نواحی روستایی است. در شرایطی که ساختار مسکن روستایی باید در سایه توجه به شرایط و عوامل محیطی هر منطقه باشد و تحولات، متأثر از متغیرهای محیط قرار گیرد، اما به نظر می‌رسد که در بخش سنگر شهرستان رشت این رابطه در بعضی از نقاط روستایی و به دلایل مختلف، حالت نامأنوسی به خود گرفته است؛ بنابراین برای قرار دادن اثر این تحولات در یک چهارچوب خاص و برنامه‌ریزی و هدایت درست آن، نیاز به توجه و آسیب‌شناسی در این زمینه بیش از گذشته آشکار می‌گردد. برخی تغییرات و تحولات صورت گرفته در بخش سنگر عبارت‌اند از: تحول در نقشه و اجزا، نوع اسکلت، نمای بیرونی، مساحت، کارکرد، تعداد طبقات و همچنین تحولات در استفاده از مصالح. تمامی این تحولات در تجمیع با یکدیگر اثری بر مسکن این بخش گذاشته‌اند که بر کیفیت محیطی را نیز تحت شعاع خود قرار داده‌اند؛ بنابراین ضروری است که این تحولات صورت گرفته در این بخش در راستای دستیابی به محیطی بهتر هدایت شوند. ویژگی‌های اقلیمی در استان گیلان موجب شده است تا شرایط این استان از نظر جغرافیایی نسبت به سایر استان‌های کشور متفاوت باشد. شرایط پرباران این استان در نحوه زندگی و ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی ساکنان آن تأثیر فراوان داشته است. به‌طوری که در پی این تأثیرات، شاهد

تحولات جغرافیایی مسکن روستایی در این منطقه از کشور هستیم. روستاهای شهرستان بخش سنگر رشت در بخش جلگه‌ای گیلان قرار دارند. روستاهای این شهرستان دارای ۴۴۷۲۰ نفر جمعیت و ۱۵۰۳۱ خانوار می‌باشند که مشتمل بر ۳ دهستان و ۴۰ روستا است که از این تعداد، ۱۵ روستا بالای ۱۰۰۰ نفر و ۱۳ روستا بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر و مابقی یعنی ۱۲ روستا زیر ۴۹۹ نفر جمعیت دارند. در سال‌های اخیر تغییرات زیادی در بخش مسکن صورت گرفته است که از جمله تغییرات عمده در نوع استفاده از مصالح و از طرفی تغییرات الگوی ساخت است در واقع این سؤال اصلی مطرح می‌گردد که تحولات مسکن روستایی تا چه اندازه بر کیفیت محیط روستاها اثرگذار بوده است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که تحولات مسکن یک دهه اخیر بخش سنگر شهرستان رشت چه تأثیری بر مؤلفه معنی نواحی روستایی گذارده است؟ برای رسیدن به این مهم، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به‌کارگیری آزمون‌های آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون T یک طرفه و زوجی، به ارزیابی هرکدام شاخص‌ها پرداخته شده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۴ پرسشنامه در روستاهای مورد مطالعه توزیع گردیده است. این پرسش‌نامه‌ها تأثیرپذیری کیفیت محیط را در مقابل تحولات مسکن از طریق مؤلفه معنی را مورد بررسی قرار داده است.

رویکرد نظری

روند دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و تحرک و جابه‌جایی روزافزون گروه‌های انسانی به روند پایداری / ناپایداری و تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی منجر شده است. در این ارتباط جابه‌جایی روستایی - شهری و رها ماندن برخی واحدها در روستاها موجب تحول کارکردی در بهره‌گیری از فضای درونی خانه‌ها شده است (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹: ۲۹). امروزه گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات، تحولات دامنه‌داری را در سطح سکونتگاه‌های روستایی به همراه داشته است. از جمله این تحولات کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی غیربومی و مدل برداری از شیوه‌های ساخت‌وساز و معماری شهری در عرصه‌های روستایی است یعنی همان روند شهر گرایی که در این تحقیق به دنبال چرایی آن هستیم این‌گونه تحولات در جهان سوم به ناهماهنگی‌های موجود در محیط‌های روستایی افزوده و به‌صورت پدیده‌های بیگانه و ناسازگار با فضاهای بومی جلوه‌گر شده است. موقعیت جغرافیایی از دیگر عوامل پیدایش دهات و روستا است با توجه به محیط‌های مختلف چون دشت و کوه و کوهپایه و یا میانکوه هر یک به نسبت شرایط حیاتی خود موجب جلب انسان‌ها و مراکز تجمع به صورت گسترده یا محدود می‌گردند تا جایی که حتی اگر آب مطلوب باشد ولی موقعیت جغرافیایی امکان گسترش آن را ندهد رشد فیزیکی ده باطل یا حتی متوقف می‌شود (ارجمندیان، ۱۳۷۰). در معماری و بافت و ترکیب سکونتگاه‌های روستایی عوامل جغرافیایی نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. امروزه مصالح مورد استفاده در مسکن روستایی سنگر عمدتاً آجر، بلوک سیمانی و آهن است و در سربندی و پوشش بام‌ها نیز از چوب، حلب، ایرانت استفاده می‌شود و بناهای مسکونی معمولاً بالاتر از سطح زمین و کرسی بلند هستند. در بناهای قدیمی قابل ترمیم در اتاق‌ها به ایوان باز می‌شود و خانه‌ها دارای ایوان می‌باشند. در حالی که در بناهای نوساز به جای ایوان پذیرایی‌هایی با پنجره‌های آلومینیومی و شیشه دیده می‌شود در بناهای قابل ترمیم فضای آشپزخانه به وسیله دیوار و در مجزا شده در حالی که در بناهای نوساز فضای آشپزخانه باز و بدون درب و دیوار ساخته شده است. در هر خانه علاوه بر چاه آب،

محل‌هایی به عنوان انبار برنج و دام و طیور نیز وجود دارد. بام خانه‌ها شبیه هم است. سرویس بهداشتی در بناهای قدیمی، در خارج از خانه و یا دور از محل زندگی وجود دارد در حالی که در بناهای نوساز در داخل فضای خانه وجود دارد. امروزه تقریباً برای کلیه واحدهای مسکونی، حیاط با پرچین و به ویژه دیوار بلوک سیمانی در نظر گرفته می‌شود. این مدرنیزاسیون در روستاهایی که از نظر جغرافیایی فاصله کمتری به شهر دارند بیشتر است. ورود گردشگران برای استفاده از مسکن جهت استراحت شبانه به خصوص در این روستاهای نزدیک به شهر سبب می‌گردد که ذائقه ساخت مسکن روستایی در جهت کسب رضایت استفاده کنندگان از آن باشد و مطابق میل آنان شکل گیرد؛ بنابراین با توضیحات ذکر شده می‌توان عنوان نمود که به‌طور کلی در بررسی تحولات مسکن روستایی جنبه‌های زیر را مورد توجه و تأکید قرار دارد:

۱. تحول در وسعت کلی بنا و شکل فضاهای آزاد (مانند فضای حیات، باغچه و مانند آن)
 ۲. تحول در شیوه ساخت و ارتباط الگو و مصالح با محیط بومی و محلی
 ۳. تحول در وسعت و فضابندی بر اساس موارد مختلف کاربری
 ۴. تحول در تعداد اتاق‌ها و کارکردهای آن‌ها
 ۵. تحول در ارتفاع یا تعداد طبقات بنا
 ۶. تحول در نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (مانند شبکه معابر، میدان و مانند آن)
- تحول در هر یک از عوامل فوق باعث ایجاد تغییرات عملکردی مسکن و ناپایداری آن نسبت به اصول اولیه‌ی شکل‌گیری آن‌ها می‌گردد. بر همین اساس وقتی عنصر اصلی بافت (مسکن) روستا دچار ناپایداری شود بافت اصلی روستا را متأثر از خود می‌سازد؛ اما ساخت‌وساز انفرادی، اتکاء به پس‌اندازهای خرد و نبود مقیاس اقتصادی فعالیت‌ها، تغییرات کلان اقتصادی مانند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، آثار ژرفی بر تولید ساختمان، به‌ویژه ساختمان‌های مسکونی برجای می‌گذارد (اصغری مقدم، ۱۳۸۴).
- از سویی دیگر انسان همواره برای رسیدن به آرامش، به دنبال یافتن مسکنی مناسب است که برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد، همچون: خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت را تأمین کند (امیر انتخابی، ۱۳۸۱). به مرور با تغییر شرایط، نیازها و خواسته‌های انسان نیز تغییر کرده و او تنها به دنبال داشتن یک سرپناه نیست بلکه به دنبال یافتن مسکن مناسب است که نیازهایش را برآورده سازد. مسکن مناسب، فضای سکونتی مناسبی است که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازهای، روشنایی کافی، تهویه و زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آب‌رسانی، بهداشت و آموزش، محیط‌زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه همچنین زمینه رشد و تقویت، روابط بین اعضای خانواده (ارتباط افقی) و روابط همسایگی (ارتباط عمودی) را برای ساکنانش فراهم آورد و مهم‌تر از همه متناسب با توان مالی خانوار باشد (بازن، ۱۳۶۷) سوی دیگر بخشی از کارکردهای مسکن نیز جنبه روانی دارند و برای جوامع انسانی امروزه که سرشار از در واقع مسکن چیزی بیش از یک: استرس‌های روانی است باید مأمون و محل آرامش باشد. (بحرینی، ۱۳۸۸) سرپناه فیزیکی صرف است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم را برای بهتر زیستن انسان شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده فراهم باشد (بهرامی، ۱۳۸۳)

عوامل مؤثر در تحولات مسکن روستایی

در تحولات مسکن عوامل مختلفی می‌توانند دخیل باشند شاید مهم‌ترین این تحولات در سال‌های اخیر تحول در بعد خانوار و همچنین تغییر در تعداد افراد ساکن در یک مسکن روستایی و شرایط نامناسب اقتصادی و تسریع قانون ارث در واحد مسکونی بوده است. این امر سبب شده است تا علاوه بر تغییر شکل ظاهری مسکن عملکرد و مساحت فضاها دگرگون شود. بدین ترتیب که بعضی از فضاها کارکرد جدیدی به خود گرفته و برخی از فضاها کارکرد خود را از دست داده‌اند. در ادامه به اختصار به تفسیر برخی از علل تأثیرگذار بر تحولات مسکن روستایی می‌پردازیم.

۱- محدودیت‌های محیطی

در بسیاری از موارد محدودیت‌های محیطی سبب می‌گردد که هریک از انواع شش‌گانه‌ی تحول در مسکن شکل گیرد. دگرگونی چهره‌های مختلف مسکن روستایی در ارتباط با محدودیت محیطی حکایت از ستیز مستمر و پیگیر جوامع کوچک روستایی با طبیعت ناسازگار اطراف خود دارد به عنوان مثال اگر در جایی تلاش در جهت نگهداری اندک رطوبت موجود در هوا باشد و یا زیرزمین‌های ژرف بهترین پناهگاه تابستانی ست، در شمال کشور برای گریز از رطوبت زمین خانه‌ها را روی پایه‌های چوبی تا ۲ متر بالاتر از سطح زمین می‌سازند. مناطق گرمسیر و کویری آفتاب را مهار می‌کنند باد را به درون می‌کشند و با شبکه‌های آجری در مقابل پنجره‌ها گرما را تعدیل می‌کنند. همچنین کوچه‌های باریک، دیوارهای بلند، بادگیرها و... گویای بافت مسکونی تکامل‌یافته‌ی کویری است (بهزاد نسب، ۱۳۷۳).

در چنین شرایطی این محدودیت‌های محیطی اگر با کمبود واحد سطح برای احداث واحد مسکونی ادغام شود تحولاتی را در وسعت کلی بنا، ارتفاع، تعداد طبقات، همسایگی‌ها و ادغام کاربری‌ها و... به وجود خواهد آورد که در نتیجه آن بر روابط اقتصادی و اجتماعی افراد نیز تأثیرگذار است با کوچک شدن زمین‌ها این محدودیت‌ها نمود بیشتری پیدا می‌کند دیگر نمی‌توان اتاق‌های زمستانی رو به جنوب و شرق به وجود آورد و یا دالان‌های پیچ در پیچ برای جریان تند هوا ساخت (بهفروز، ۱۳۵۶).

۲- اقتصاد

تمایل روستاییان برای به وجود آوردن شرایط مناسب برای زندگی از طریق ایجاد و ساخت یک محیط نوساز بخصوص مسکن از یک طرف و از طرف دیگر تحمیل هزینه‌های ناشی از این تمایل سبب گردید که شکل و شمایل مسکن روستایی تابع شرایط محدودکننده فوق قرار گیرد به گونه‌ای که اثرات خود را به‌طور مستقیم بر وسعت کلی بنا و مصالح غیرمتناسب با محیط بومی و همچنین تعداد اتاق‌ها و کارکردهای آن‌ها و حتی بر نحوه قرارگیری بنا اثر می‌گذارد. همان‌طور که اشاره شد قیمت مصالح به بالا بردن هزینه پروژه‌ها کمک می‌کند تا زمانی که مصالح تهیه شده برای روستاییان ارزان به دست نیاید نمی‌توان مانع از تحولات اساسی مسکن روستایی و قطع ارتباط مسکن کارکردی سنتی و مدرن گردید (پاپلی یزدی و وثوقی خزائف، ۱۳۷۹).

این تحولات آشکار در شکل مسکن را در یک قالب کلی می‌توان در اشکال مختلف خانه‌های روستاییان با رده‌بندی اجتماعی مشاهده کرد. خانه‌های اقشار مختلف روستایی بسته به جایگاه اجتماعی آنان که عمدتاً به میزان زمین و

املاک و نیز درجه استقلال در فعالیت‌های اقتصادی مربوط است اشکال گوناگون و متنوعی دارد طبیعی است بسیاری از کارکردهای اقتصادی مسکن که در بخش ۲-۲-۳ به آن اشاره شد امروزه به دلیل ناکارایی آن از بین رفته است. امروزه به دلیل ایجاد صنایع تبدیلی و ارتباطات انبار کردن محصولات در داخل خانه‌ها یا فضاهای متصل به خانه‌های روستایی که جزئی از آن محسوب می‌شد از بین رفته است به همین دلیل در شکل مسکن نیز به تبع آن تغییرات به وجود می‌آید یا در مواردی این مکان‌ها کارکرد مخروبه‌ای به خود می‌گیرند علاوه بر عوامل فوق بایستی تمایل طبیعی روستاییان به زندگی بهتر را نیز در تحولات مسکن در نظر گرفت متعاقب این تغییرات نیازهای جدیدی در زندگی روزمره ظهور پیدا می‌کند که تغییر در برخی فضاهای خدماتی و یا حذف بعضی از آن‌ها و یا ایجاد عناصری دیگر متناسب با فعالیت‌های اقتصادی تازه از آن جمله‌اند (پاکزاد، ۱۳۷۹).

۳- فرهنگ

هر تحول اجتماعی و فرهنگی تأثیری آشکار یا نهان بر الگوی مسکن سنتی روستاییان داشته و با تغییر آن کالبد مسکن را نیز دگرگون می‌سازد (فرهنگ‌ها تعمیم‌دهنده‌ی اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازه و کار بشری هستند هر کجا که اقتباس فرهنگی در بین موضوع اقتباس شده بایستی با فرهنگ جدید توافق داشته باشد در غیر این صورت قدیم و جدید باهم همسازی نداشته باشد و در بعضی موارد حتی دو الگوی کاملاً متفاوت هستند) - (پاکزاد، ۱۳۸۶).

در جهت بهینه‌سازی الگوی مسکن روستایی، دگرگونی در هر یک از خصوصیات فرهنگی و تغییر در روابط اجتماعی باید به‌طور ویژه مورد کنکاش قرار گیرد. به عبارتی دیگر اگر در ارائه ضوابط و پیشنهاد الگوها این موضوع لحاظ این موضوع لحاظ گردد بنای مسکونی روستایی، عملکردی مناسب‌تر خواهد داشت. به‌طور مثال در روستاهای معتدل و مرطوب گیلان فضایی نیمه‌خصوصی - نیمه عمومی به نام تالار بخش مهمی از زندگی افراد را در خود جای می‌دهد که در چند دهه اخیر به خاطر توسعه راه‌ها و ورود افراد غریبه به روستاها به واسطه گسترش امکان رفت و آمد به نقاط روستایی، این فضا تغییراتی یافته است. چنانکه در جلوی فضای نیمه محصور تالار. امروزه پرده‌ای از جنس پارچه نصب می‌کنند. این در حالی است که به دلیل همبستگی خانوادگی در روستاها، سابقاً چنین نیازی احساس نمی‌شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل افزوده شدن این حجاب، پایبندی به رعایت پوشیدگی در برابر افراد بیگانه و غیربومی در روستاست که اکنون بنا بر سهولت تردد در کلیه مناطق و با آهنگ پر شتاب احداث و بهسازی راه‌ها موجب احساس عدم امنیت خانوار روستایی شده است به دلیل فقدان حصار بصری بین مکان‌های عمومی مانند گذرهای روستا و تالار خانه در ساختار بناهای روستایی گیلان، دید مستقیم از معابر روستا به این فضای زیستی مهم خانواده وجود دارد. در پی تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی و تغییر در شیوه‌های سکونت و زندگی، برخی فضاهای محوطه‌های مسکونی روستایی به‌مرور زمان فاقد کارایی اولیه بوده و به تدریج از فضاهای محوطه مسکونی حذف شده‌اند که برخی نیز کاربرد اقتصادی داشته‌اند مثل تنور پخت نان و یا گرم‌خانه‌ها. آنچه حائز اهمیت است ویژه است تجانس یا عدم تجانس تغییرات کالبدی بناهای روستایی با تحولات اجتماعی و فرهنگی است که در صورت عدم تطابق تحولات الگوی مسکن با ارزش‌های اجتماعی و نظام رفتاری قاعده‌مند هر روستا، معضلاتی به بار می‌آید که کمترین آن هدر رفتن انرژی و اتلاف سرمایه است. لذا حفظ تعادل کارکرد بنا باید مبتنی بر

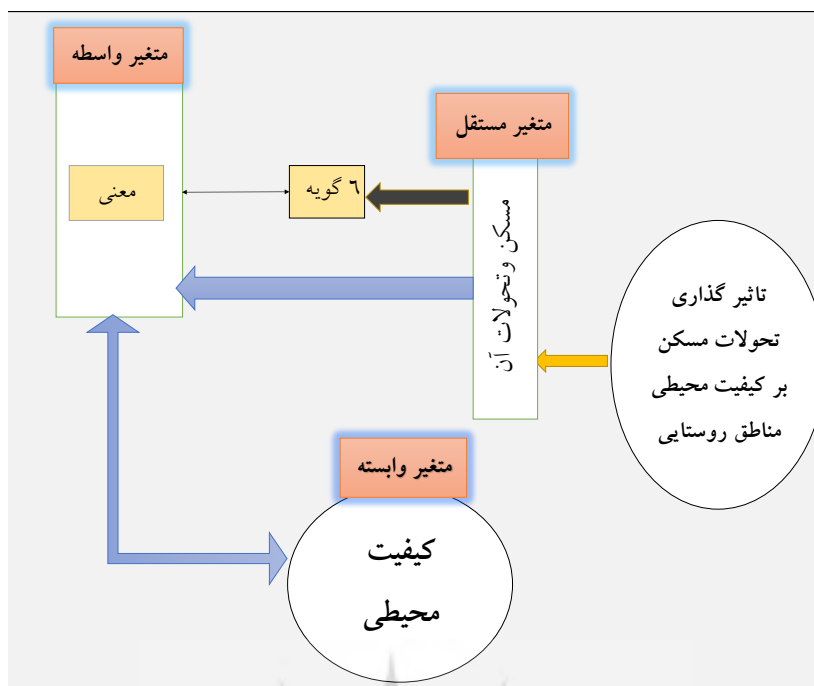
دگرگونی‌های نظام اجتماعی و تغییرات فرهنگی بوده و در شکل‌گیری مسکن روستایی، اهمیت این عامل باید موردنظر قرار گیرد و تأثیرات آن بر بنای مسکونی به چالش کشیده شود به‌عنوان مثال ادوارد هال معتقد است که (ارتباط فضای دارای سیمای ثابت با شخصیت افراد همین‌طور با فرهنگ در هیچ مکانی به‌اندازه‌ی آشپزخانه روشن و واضح نیست) (تفهیمی، ۱۳۸۹)

امروزه بسیاری از افراد روستا به تقلید از شهرنشینی، آشپزخانه باز (اوپن) را از ملزومات خانه‌های جدید می‌دانند. حال آنکه با نگرش به نوع زندگی و رفتارهای روزانه ساکنان روستا، می‌توان گونه‌هایی از آشپزخانه باز را در طراحی واحدهای مسکونی گنجانده که با فرهنگ سنتی مردم مغایر نباشد.

ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان دچار تغییر و حتی تحول است. بدین‌سان مشاهده تحولات در مسکن روستاها، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای روستا و به‌خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی به وجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات این تحولات نیازهای جدیدی را در مسکن روستایی متحول کرده‌اند که امروزه برای زندگی مناسب در جامعه روستایی ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها هستیم. چنانچه در ارائه ضوابط برای ساخت مسکن در زمان کنونی به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی روستاهاست توجه کافی مبذول گردد مسکن روستایی از کارایی مناسب بهره‌مند می‌گردد (تولون، ۱۳۷۴).

۴- تکنولوژی

ورود و گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباط دیداری که مهم‌ترین آن‌ها انتقال و دریافت تصاویر از طریق اینترنت موبایل و تلویزیون می‌باشند. از عمده‌ترین دلایل تحولات فرهنگی در روستا که در مسکن تأثیرگذار است هستند. به دلیل توسعه راه‌های روستایی و امکان استفاده از مصالح جدید و روش‌های نوین و الزام به رعایت استانداردهای ساخت بنا در روستاها همانند مقاومت بنا در برابر زلزله، شیوه‌های ساختمان‌سازی نیز متحول گردیده و مصالح جزئیات اجرایی ساختمان‌های سنتی بومی دچار تحولاتی شده است این‌گونه تغییرات از حیث بهره‌گیری از مصالح منطقه‌ای و خصوصیات مثبت آن‌ها باید با دقت بیشتری صورت گیرد و جایگزین کردن تقلیدی مصالح جدید با مصالح بومی سنتی مناسب نیست در بیشتر موارد متأسفانه پدیده تقلیدگری با حذف مصالح بومی و چشم‌پوشی از به‌کارگیری وجوه مثبت آن همراه بوده است. تکنولوژی ساخت در زمان کنونی از تحولات زیادی برخوردار شده است و برای ساخت مسکن قیود محدودیت‌های تکنیکی زمان گذشته را از پیش‌رو برداشته و در این خصوص آزادی عمل بیشتری را به طراحان و سازندگان مسکن در روستا داده است با آگاهی بر این موضوع تقلید از الگوی مسکن شهری پاسخ مناسب به نیازهای ساکنان روستا نیست و به دلیل آنکه عوامل لازم برای طرح الگوی مسکن مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد، این‌گونه مسکن‌های روستایی از بهره‌وری مناسب برخوردار نیست و در نهایت عدم رضایت ساکنان روستا را به دنبال دارد (تکنولوژی به اشکال مختلف از فرم، کارکردها و درون خانه سنت زدایی می‌کند) (خلیفی، ۱۳۸۶).



نمودار شماره ۱: چهارچوب نظری تحقیق
Source: Research findings (2018)

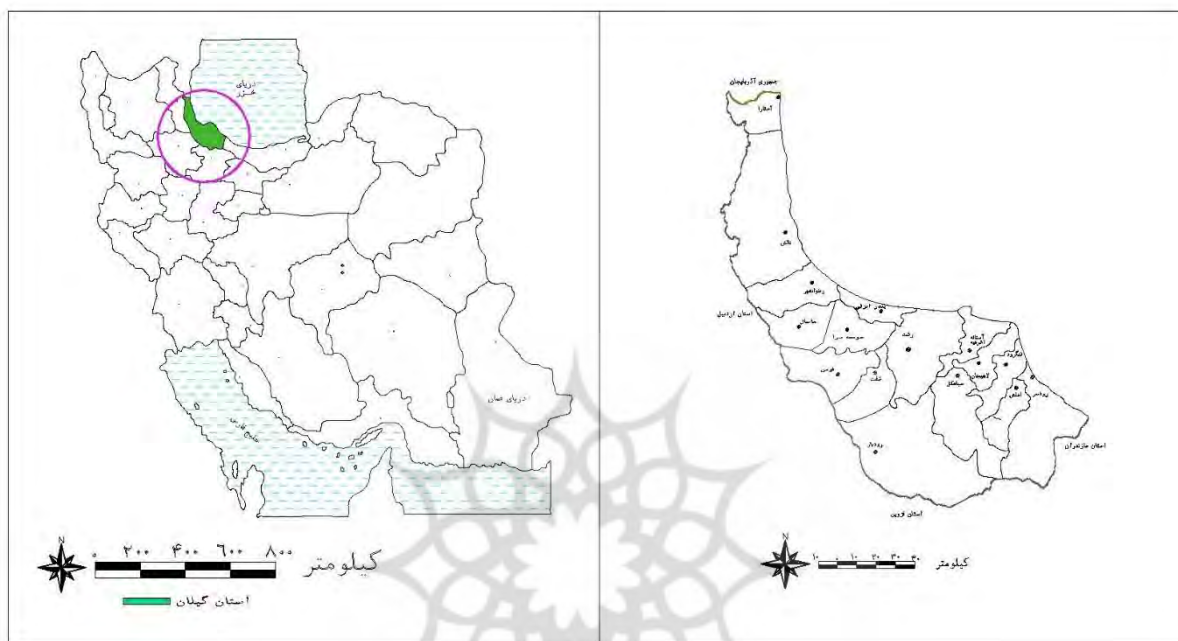
محدوده مورد مطالعه

استان گیلان یکی از استان‌های شمالی کشور با مساحت ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع است. این استان در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۹، استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۵۱ شهر و ۱۰۹ دهستان است. این استان همچنین در سال ۱۳۹۵ دارای ۲۹۰۵ آبادی (۲۵۶۷ آبادی دارای سکنه و ۳۳۸ آبادی خالی از سکنه) بوده است (دلال پور محمدی، ۱۳۷۹). در استان گیلان، اقوام مختلفی زندگی می‌کردند که امروزه بر اثر عوامل طبیعی، تاریخی، سیاسی، مهاجرت‌ها و ارتباطات وسیع قرن اخیر بین این استان با سایر نقاط کشور، اثر چندانی از بعضی اقوام مشاهده نمی‌شود. این اقوام عبارت‌اند از:

۱. گیل
۲. دیلم
۳. کادوس‌ها
۴. مادها
۵. کاس‌ها (کاسپین‌ها)
۶. دوربیک‌ها (ذکات، ۱۳۷۸).

درازای آن از شمال باختری به جنوب خاوری، ۲۳۵ کیلومتر و پهنای آن، از ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر تغییر می‌کند. رشته کوه‌های البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر، همانند دیواری در باختر و جنوب گیلان کشیده شده و این منطقه جز از راه دره منجیل، راه شوسه دیگری به فلات ایران ندارد. کمترین فاصله کوه از دریای خزر (در بخش حویق از شهرستان تالش) نزدیک به ۳ کیلومتر و بیشترین فاصله آن از دریا (در امامزاده‌هاشم، مسیر جاده رشت- قزوین)

حدود ۵۰ کیلومتر است و از ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی برخوردار است. این استان، از شمال به دریای خزر و جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان است. شهرستان‌های استان گیلان عبارت‌اند از: آستارا - آستانه اشرفیه - املش - بندر انزلی - تالش - رشت - رضوانشهر - رودبار - رودسر - سیاهاکل - شفت - صومعه‌سرا - فومن - لاهیجان - لنگرود - ماسال (ذکات، ۱۳۷۹).



نقشه ۱- نقشه استان گیلان در تقسیمات کشوری

منبع: نگارندگان: ۱۳۹۸

پراکندگی جمعیت در نقاط روستایی استان گیلان به ویژه جلگه مرکزی آن به گونه‌ای است که آبادی‌ها در آن در فواصل کمتری نسبت به هم و در ارتباط سهل و آسان نسبت به شهرها واقع شده‌اند که عرضه خدمات اولیه به آن‌ها نیز به گونه‌ای آسان انجام می‌پذیرد. در یک مقایسه سطحی در هر ۴۷۸ کیلومتر مربع از مساحت استان، یک شهر و در هر ۵ کیلومتر مربع، یک روستا وجود دارد (رجائی، ۱۳۷۳). در حالی که در کل کشور در هر ۳۳۲۲ کیلومتر مربع، یک شهر و در هر ۲۵ کیلومتر مربع، یک روستا وجود دارد. این امر فشردگی مراکز استقرار جمعیت در گیلان را به خوبی نشان می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی نحوه استقرار جمعیت در گیلان، کم جمعیت بودن نسبی شهرها و پرجمعیت بودن نسبی روستاها است. لذا به تبع چگونگی استقرار جمعیت، نسبت شهرنشینی در استان گیلان پایین‌تر از کشور است. بطوریکه از نظر استقرار جمعیت، چهره روستایی دارد. شهرستان رشت: با مساحت ۱۲۷۲/۲ کیلومتر مربع در مرکز استان گیلان واقع شده است، رشت از شمال به دریای خزر و شهرستان بندر انزلی، از جنوب به شهرستان رودبار، از شرق به شهرستان آستانه اشرفیه، لاهیجان و سیاهاکل و آستانه اشرفیه، لاهیجان و سیاهاکل و از غرب به شهرستان‌های شفت و صومعه‌سرا و بندر انزلی محدود می‌شود. طبق آخرین تقسیمات اداری شهرستان رشت دارای ۶ بخش، مرکزی، خمام، خشکبیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت نشاء، ۶ نقطه شهری رشت (مرکز شهرستان)، سنگر، کوچصفهان، لشت نشاء، خشکبیجار، خمام، ۱۸ دهستان حومه، پیربازار، پسیخان، لاکان، چوکام، کته سر، چاپارخانه،

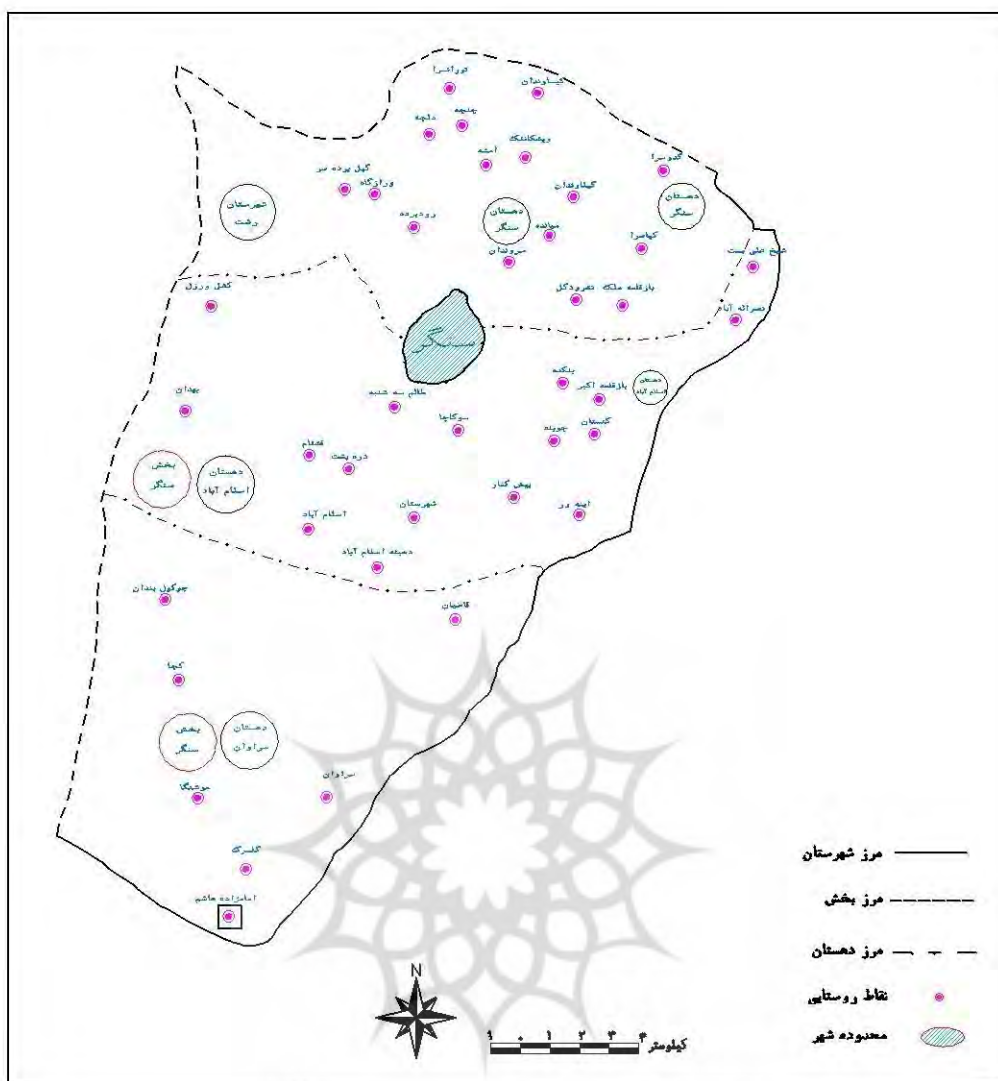
نوشر، حاجی بکنده، سنگر، سراوان، اسلام آباد، بلسبنه لولمان، کنارسر، گفشه، جیرنده، علی آباد زیبا کنار جزء این تقسیمات می باشند. همچنین مرکز رشت دارای ۲۹۶ آبادی می باشد (زرگر، ۱۳۶۴).



نقشه ۲- تقسیمات سیاسی استان گیلان

منبع: <https://www.gilan.ir>

شهرستان سنگر در ۱۵ کیلومتری شهر رشت قرار دارد. منطقه ای که امروز به نام سنگر معروف است نام قدیم آن کوهدم بوده است بخش سنگر فعلی شامل: شاقاجی، سراوان و امامزاده هاشم که سابق بر این وسعتی بیشتر داشت، کوهدم اکنون به عنوان یک اسم تاریخی مطرح است و این نام از افواه افتاده است. در فرهنگ جغرافیایی ارتش آمده «سنگر و کهدمات نام یکی از دهستان های بخش مرکزی شهرستان رشت است. این دهستان در جنوب رشت طرفین شوسه ی رشت به تهران واقع شده و مرکز دهستان قصبه ی دوشنبه بازار است... این دهستان از ۴۰ ده بزرگ و کوچک تشکیل شده. کوهدم در روزگار گذشته امارت مستقلی را تشکیل می داد که شامل بخش کوهدم فعلی و نواحی رودبار و رحمت آباد یا به عبارت دیگر دره ی سفیدرود که از گوکه تا منجیل ادامه داشت را شامل می شد. مرکز این ناحیه گوراب کوهدم بود که به دست نیروهای سلطان محمد بیه پیشی به سال ۸۸۰ هجری قمری سوزانده شد. بخش سنگر فعلی از یک شهر به نام سنگر به عنوان مرکز بخش و سه دهستان به نام های: دهستان اسلام آباد - دهستان سراوان - دهستان سنگر تشکیل شده است (زمردیان، ۱۳۸۱).



نقشه ۳- بخش سنجر به تفکیک دهستانها

منبع: نگارندگان: ۱۳۹۷

بخش سنجر شهرستان رشت در مختصات جغرافیایی ۴۹ ۳۴ تا ۴۹ ۴۷ طول شرقی و ۳۷ ۰۱ تا ۳۷ ۱۵ درجه عرض شمالی قرار دارد. بخش سنجر از طرف شمال به بخش کوچصفهان، از طرف شمال شرق به شهرستان آستانه اشرفیه، از طرف شمال غرب و غرب به بخش مرکزی از طرف جنوب و جنوب شرق به بخش رحمت‌آباد و بلوکات شهرستان رودبار، از طرف شرق به شهرستان سیاهکل و لاهیجان محدود می‌شود. اکثر روستاهای بخش سنجر شهرستان رشت در بخش جلگه‌ای گیلان قرار دارند. روستاهای این بخش دارای ۱۷۶۵۹ نفر جمعیت و ۵۹۵۶ خانوار هستند که مشتمل بر ۳ دهستان (سنجر، اسلام‌آباد و سراوان) و ۴۰ روستا است؛ که از این تعداد، ۱۵ روستا بالای ۱۰۰۰ نفر و ۱۳ روستا بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر و مابقی یعنی ۱۲ روستا زیر ۴۹۹ نفر جمعیت دارند.

یافته‌های تحقیق

مساکن روستایی در ایران با توجه به شرایط آب و هوایی حاکم بر آن، دارای هویت منحصر به فرد و کالبدی ویژه‌ای است. چند کارکردی بودن و پاسخگویی به نیازهای مختلف انسانی (اقتصادی- تولیدی، اجتماعی و...) در ساخت

مساکن روستایی در گذشته بسیار مورد توجه بوده است. افزایش جمعیت، دگرگونی در روش، نقل و انتقال انسان، کالاها و بسیاری از امور دیگر منجر به تغییر کاربری و کالبدی روستاها شده است. در این بین تغییر کاربری مسکن، کم و کیف آن، وجود خدمات و تسهیلات و... مسئله‌ای اساسی برای روستاییان و مسئولان آن گردیده است؛ بنابراین در حال حاضر مسئله مسکن و تغییرات در آن، یک امر جهانی است و جوامع و کشورهای مختلف نیز با آن مواجهه هستند (Lang, 2007). یکی از مشکلات اساسی بی‌خانمانی و نداشتن سرپناه مناسب است (Lynch, 2005) و از سوی دیگر در کشورهای در حال توسعه کیفیت پایین مسکن روستایی نیز مزید بر مسائل امر مسکن شده است (Pakzad, 2007) و توجه به آن، امروزه: رفاه توجه به سرپناه فیزیکی نیست و تمامی خدمات و تسهیلات عمومی لازم را برای بهتر زیستن شامل می‌شود (Saedi, 1994). بر این اساس در سال‌های اخیر، تناسب و توسعه، تبیین جایگاه و ابعاد مسکن روستایی نیز مورد توجه و بحث قرار گرفته است (Sirtipour, 2011) در واقع وضوح و اهمیت نقش مسکن در روستاها هنگامی نمود عینی‌تری پیدا می‌کند که به نقش غالب آن در مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده بافت‌های روستایی توجه شود. همچنین سازمان فضایی، نحوه استقرار و ساخت و بافت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنارهای حاکم بر جامعه روستایی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۶).

معمولاً در مناطقی که روستاها مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده‌اند، مسائل و مشکلاتی به وجود می‌آید که عدم توجه و رسیدگی به آن، منجر به حاد و لاینحل شدن این مشکلات می‌گردد و این امر موجب پیدایش نارسائی‌های فراوان برای زیست و ادامه سکونت در روستاها گردیده است. در واقع سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل تعامل بین انسان و محیط بوده، که با تأثیرپذیری از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولات در بافت کالبدی و فضایی خود شده و نادیده گرفتن و رها نمودن روستاها، بی‌توجهی نسبت به مسکن و بافت آن‌ها، نه تنها باعث سلب آسایش‌بخش قابل توجهی از جمعیت کشور، بلکه موجب برهم زدن تعادل اجتماعی، اقتصادی کالبدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور است (معماریان، ۱۳۷۱). به همین دلیل برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در امر مسکن مناسب و الگوی مطلوب برای ساکنان روستایی در چند سال اخیر از دغدغه‌های برنامه‌ریزان روستایی شده است. اگرچه تلاش‌هایی در مسیر تحول و توسعه مسکن روستایی کشور صورت گرفته، اما به دلیل حل نشدن بعضی مشکلات و ادامه یافتن مسائل موجود در روستا، همچنان اولویت توجه به برنامه‌های توسعه روستایی در صدر قرار دارد (مدنی پور، ۱۳۸۴) یکی از راه‌های مهم شناخت وضعیت مسکن، مطالعه و آگاهی از رضایت‌مندی ساکنین روستایی از کیفیت محیطی در بافت‌های مختلف روستا با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی آن است. تا بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های از پیش تدبیر شده تهیه و با نظارت لازم، اجرا و در نتیجه موجب رفع مسائل در این امر گردد. همچنین سکونتگاهی متناسب با شرایط، موقعیت محیطی، نیاز و شأن والای انسانی فراهم آورد. در ادامه نتایج مستخرج از پرسشنامه‌ها و مطالعات میدانی مرتبط با مؤلفه معنی و گویه‌های مرتبط با آن ارائه گردیده تا به وسیله تحلیل آن‌ها بتوان در مورد فرضیه‌ها و پرسشهای مطرح شده اظهار نظر کرد.

مؤلفه معنی

گویه ۱ (توجه به الگوهای بومی):

الگوی مسکن بومی در گیلان با توجه به رطوبت این استان در ساخت واحدهای یک طبقه استفاده از کرسی است. همچنین در مناطق پر باران از سقف‌های شیب‌دار استفاده می‌شود و در خانه‌های بومی دو طبقه در گذشته از تالار نیز جهت استفاده در فصل گرم سال استفاده می‌شد. در حال حاضر در ساخت مسکن جدید ۵۸/۲ درصد همچنان از کرسی استفاده می‌کنند و سایر موارد را در ساخت مسکن حذف کرده‌اند و ۱۸/۸ درصد نیز ایوان باز در ورودی ساختمان استفاده می‌کنند که برای استفاده در فصل گرم سال مناسب است.

جدول ۱- توجه به الگوهای بومی در ساخت مسکن جدید

شرح	قرارگیری ساختمان روی کرسی	در نظر گرفتن ایوان باز در ورودی	غلام گردش	بام شیب‌دار	تالار	فاکن (قسمت شیب‌دار از سقف تا نزدیک زمین)
تعداد	۲۰۰	۱۰۰	۹	۱۷	۷	۱۱
درصد	۵۸,۲	۱۸,۸	۲,۶	۴,۸	۲	۳,۲

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص توجه به الگوهای بومی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته توجه به الگوهای بومی و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص توجه به الگوهای بومی به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان توجه به الگوهای بومی هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۲- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و توجه به الگوهای بومی، آزمون همگونی کای دو

کل	شاخص توجه به الگوهای بومی		
	کم	متوسط	بالا
کم	۶۱ (۵۸٪)	۱۹ (۱۸٪)	۲۴ (۲۳٪)
متوسط	۳۰ (۲۰٪)	۷۵ (۵۰٪)	۴۵ (۳۰٪)
بالا	۳۵ (۳۸٪)	۱۰ (۱۱٪)	۹۰ (۵۰٪)
کل	۱۲۶	۱۰۴	۱۱۴
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	۰,۵۷	۲	۰,۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص توجه به الگوهای بومی پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص توجه به الگوهای بومی با ضریب بتای ۰/۴۰ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۳- اثرات کیفیت مسکن بر روی توجه به الگوهای بومی

مدل	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	تی	معناداری
B	خطای استاندارد	بنا		
	۰,۱۹	۰,۰۷	۰,۴۰	۱,۴۴
کیفیت مسکن				۰,۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، کیفیت مسکن در شاخص توجه به الگوهای بومی مؤثر بوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث تداوم توجه به الگوهای بومی در زندگی خانوارهای روستایی شده است
گویه ۲ (مصالح بومی):

در گذشته‌های دور با توجه به نبود راه ارتباطی مناسب و عدم دسترسی به وسایط نقلیه از مصالح بومی موجود در هر محل جهت ساخت استفاده می‌شد ولی امروزه به جهت راحتی و زیبایی از مصالح جدید و موجود در شهرها جهت ساخت مسکن استفاده می‌شود به همین دلیل ۵۸/۷ درصد از مصالحی غیر از مصالح بومی برای ساخت مسکن استفاده نموده‌اند.

جدول ۴- استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن

شرح	پای باج بنه	اندود کاه گل	اندود آب آهک	دیوار زگالی	دیوار داروچین	پوشش سقف گال	سایر
تعداد	۱۶	۲۷	۱۲	۹	۶۷	۱۲	۲۰۲
درصد	۴,۷	۷,۸	۳,۵	۲,۶	۱۹,۴	۳,۵	۵۸,۷

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن به دست نیامده است. جهت این رابطه نیز منفی برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم نمی‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۵- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن، آزمون همگونی کای دو

کل	شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن		
	کم	متوسط	بالا
کم	(/۱۵)۱۶	(/۷۱)۷۴	(/۱۳)۱۴
متوسط	(/۲۴)۳۶	(/۲۶)۴۰	(/۴۹)۷۴
بالا	(/۱۱)۱۰	(/۷۸)۷۰	(/۱۱)۱۰
کل	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۴
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	-۰,۰۴	۲	۰,۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن با ضریب بتای ۰,۰۵ را پیش‌بینی نمی‌کند.

جدول ۶- اثرات کیفیت مسکن بر روی گویه استفاده از مصالح بومی

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	
	B	خطای استاندارد	بتا	تی
کیفیت مسکن	۰,۰۹	۰,۰۷	۰,۰۵	۰,۸۵
				۰,۳۶

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن در شاخص معنی مؤثر بوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث استفاده از مصالح بومی در ساخت مسکن نمی‌شود و بنابراین مؤلفه معنی را برای خانوارهای روستایی افزایش نمی‌دهد.

گویه ۳ (استفاده از الگوهای شهری)

در ساخت مسکن جدید یکی از مصالحی که زیاد استفاده می‌شود سنگ و بتن است که به جای چوب در ساخت مسکن در محدوده مورد مطالعه استفاده می‌شود و یکی دیگر از مواردی که در ساخت مسکن جدید استفاده می‌شود حذف الحاقات مسکن است و همچنین نماهای سنگی غیر بومی است که در ساخت مسکن به وفور استفاده می‌شود و چهره روستاهای بخش سنگر را دگرگون نموده است.

جدول ۷- استفاده از الگوهای شهری در ساخت مسکن

شرح	تضعیف همسایگی	دسترسی بومی	نماهای سنگی غیر بومی	کاهش سقف	شیب به کارگیری سنگ و بتن به جای اجزای چوبی	از بین رفتن الحاقات مسکن	آشپزخانه اوپن	حذف دستشویی از محوطه
تعداد	۵۱	۵۴	۹	۱۱۸	۷۴	۲۹	۹	
درصد	۱۴٫۸	۱۵٫۷	۲٫۶	۳۴٫۳	۲۱٫۵	۸٫۴	۲٫۶	

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته استفاده از الگوهای شهری در مسکن و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان استفاده از الگوهای شهری در مسکن هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۸- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص استفاده از الگوهای شهری، آزمون همگونی کای دو

کیفیت مسکن	شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن		
	کم	متوسط	بالا
کم	۸۰ (۷۸٪)	۱۴ (۱۳٪)	۱۰ (۹٪)
متوسط	۲۵ (۲۳٪)	۹۵ (۶۳٪)	۳۰ (۲۰٪)
بالا	۳۰ (۲۳٪)	۱۱۵ (۱۶٪)	۵۵ (۶۱٪)
کل	۱۲۵	۱۲۴	۹۵
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	۰٫۶۵	۲	۰٫۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن با ضریب بتای ۰٫۶۴ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۹- اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص استفاده از الگوهای شهری

معناداری تی	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	مدل
بتا	خطای استاندارد	B	
۲٫۱۴	۰٫۶۴	۰٫۳۴	کیفیت مسکن

منبع: یافته‌های پژوهش

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص شاخص استفاده از الگوهای شهری در مسکن در شاخص معنی مؤثر بوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث افزایش شاخص استفاده از الگوهای شهری و تضعیف مؤلفه معنی برای خانوارهای روستایی شده است
گویه ۴ (فضاهای اضافه شده):

در طی ده سال گذشته بیشترین موردی که به مسکن اضافه شده است آشپزخانه است با توجه به اینکه در گذشته بخش مجزایی که دارای سینک ظرف‌شویی و اجاق‌گاز باشد و برای پخت غذا استفاده شود در خانه‌های قدیمی وجود نداشت و عموماً در محیط به این امر پرداخته می‌شده است. استفاده از این بخش در ساخت خانه‌های جدید رواج یافته و از آشپزخانه در ساخت واحدهای مسکونی جدید در نظر گرفته می‌شود

جدول ۱۰- فضاهای اضافه شده به مسکن در طی ده سال گذشته

شرح	اتاق	آشپزخانه	پذیرایی	اتیار	سرویس و حمام	سایر
تعداد	۴۹	۱۳۰	۶۶	۱۸	۸۱	۰
درصد	۱۴,۲	۳۷,۷	۱۹,۲	۵,۲	۲۳,۵	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر فضاهای اضافه شده در مسکن و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان فضاهای اضافه شده در مسکن هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۱۱- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن، آزمون همگونی کای دو

کیفیت مسکن	شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن		
	کم	متوسط	بالا
کم	۶۰ (۰,۵۷)	۱۰ (۰,۰۹)	۳۴ (۰,۳۲)
متوسط	۳۴ (۰,۲۲)	۶۶ (۰,۴۴)	۵۰ (۰,۳۳)
بالا	۱۴ (۰,۱۵)	۵۰ (۰,۵۵)	۲۶ (۰,۲۸)
کل	۱۰۸	۱۲۶	۱۱۰
کل	۱۰۸	۱۲۶	۱۱۰
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	۰,۵۲	۲	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن با ضریب بتای ۰,۴۹ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۱۲- اثرات کیفیت مسکن بر روی ابعاد فضاهای اضافه شده در مسکن

معناداری	تی	ضریب استاندارد		مدل
		ضریب غیر استاندارد	خطای استاندارد	
۰,۰۰	۲,۰۵	۰,۴۹	۰,۰۹	کیفیت مسکن
				B

منبع: یافته‌های پژوهش

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص فضاهای اضافه شده در مسکن در شاخص معنی مؤثر بوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث رشد فضاهای اضافه شده در مسکن و تضعیف مؤلفه معنی برای خانوارهای روستایی شده است

گویه ۵ (رضایت فضاهای اضافه شده):

با توجه به تغییر نیازها و سلیقه‌ها و با توجه به اینکه کاربری‌های اقتصادی واحدهای مسکونی نسبت به گذشته تغییر یافته است و امروزه منازل مسکونی کارکرد گذشته خود را ندارند بنابراین افراد به منازل مسکونی و مدرن امروزی تمایل بیشتری دارند و به همین دلیل میزان رضایت آن‌ها نیز زیاد است.

جدول ۱۳- رضایت از فضاهای اضافه شده در مسکن

شرح	بله	خیر	جمع کل
تعداد	۳۱۴	۲۸	۳۴۴
درصد	۹۱,۳	۸,۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص رضایت فضاهای اضافه شده به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته رضایت از فضاهای اضافه شده و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص رضایت فضاهای اضافه شده به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان رضایت از فضاهای اضافه شده هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۱۴- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص رضایت فضاهای اضافه شده، آزمون همگونی کای دو

کیفیت مسکن	شاخص رضایت فضاهای اضافه شده		
	کم	متوسط	بالا
کم	۵۸ (۰,۵۶)	۲۲ (۰,۲۱)	۲۴ (۰,۲۳)
متوسط	۴۵ (۰,۳۰)	۷۵ (۰,۵۰)	۳۰ (۰,۲۰)
بالا	۱۷ (۰,۱۸)	۲۳ (۰,۲۶)	۵۰ (۰,۵۶)
کل	۱۲۰	۱۲۰	۱۰۴
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	۰,۳۲	۲	۰,۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص رضایت از فضاهای اضافه شده پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص رضایت فضاهای اضافه شده با ضریب بتای ۰,۳۷ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۱۵- اثرات کیفیت مسکن بر روی ابعاد رضایت از فضاهای اضافه شده

معناداری تی	ضریب استاندارد		مدل
	خطای استاندارد B	ضریب غیر استاندارد	
۰,۰۰	۱,۷۸	۰,۳۷	کیفیت مسکن
		۰,۰۶	خطای استاندارد B

منبع: یافته‌های پژوهش

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، رضایت از فضاهای اضافه شده در شاخص معنی مؤثر بوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث خلق معنی برای خانوارهای روستایی شده است.

گویه ۶ (جلب توجه مسکن برای گردشگران):

در برخی از روستاها با توجه به بافت منازل مسکونی که فرمی از گذشته دارد بومی‌سازی به سبک سنتی صورت گرفته است و از آن در جهت جذب و ماندگاری گردشگران استفاده می‌شود که در سال‌های اخیر درآمد خوبی نیز برای روستائیان داشته است اما در دهستان سنگر افراد پاستخگو از واحدهای مسکونی برای این امر استفاده نمی‌کنند و بیشتر تمایل به ارائه خانه‌های شهری برای اجاره به گردشگران دارند.

جدول ۱۶- توجه گردشگران به واحد مسکونی

شرح	بله	خیر	جمع کل
تعداد	۶۷	۲۷۷	۳۴۴
درصد	۱۹,۵	۸۰,۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران به تفکیک روستاهای مورد مطالعه که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته جلب توجه مسکن برای گردشگران و متغیر مستقل کیفیت مسکن موجود می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، براساس میزان کیفیت مسکن، رابطه معناداری در شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران به دست نیامده است. جهت این رابطه نیز منفی برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم نمی‌باشد، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان کیفیت مسکن، میزان جلب توجه مسکن برای گردشگران افزایش پیدا نمی‌کند.

جدول ۱۷- تحلیل روابط آماری میان میزان کیفیت مسکن خانوارهای مورد مطالعه و شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران، آزمون همگونی کای دو

کیفیت مسکن	شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران		
	کم	متوسط	بالا
کم	۲۴ (۲۳٪)	۴۶ (۴۴٪)	۳۴ (۳۲٪)
متوسط	۷۴ (۴۹٪)	۳۶ (۲۴٪)	۱۵۰ (۴۰٪)
بالا	۲۳ (۲۵٪)	۵۷ (۶۳٪)	۹۰ (۱۱٪)
کل	۱۲۱	۱۳۹	۸۴
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب همبستگی	-۰,۰۲	۲	۰,۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات کیفیت مسکن بر روی شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، کیفیت مسکن به صورت معناداری شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران با ضریب بتای ۰,۰۷ را پیش‌بینی نمی‌کند.

جدول ۱۸- اثرات کیفیت مسکن بر روی جلب توجه مسکن برای گردشگران

معناداری تی	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد	مدل
بتا	خطای استاندارد	B	
۰,۰۲	۰,۰۸	۰,۰۵	کیفیت مسکن
۰,۱۲	۰,۰۸	۰,۰۵	کیفیت مسکن

منبع: یافته‌های پژوهش

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص جلب توجه مسکن برای گردشگران در شاخص معنی مؤثر نبوده، بنابراین افزایش کیفیت مسکن باعث افزایش جلب توجه مسکن برای گردشگران و بهبود مؤلفه معنی برای خانوارهای روستایی نشده است

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مسکن روستایی، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است. امروزه تأمین مسکن به‌عنوان یکی از معضلات اقشار گوناگون در نواحی روستایی مطرح است. همچنین مشکلاتی نظیر تکوین و گسترش خودجوش و بدون نقشه قبلی، قدمت اکثر روستاها با بافت فرسوده از دلایل مهم توجه به شاخص‌های استاندارد مسکن روستایی است. از سویی در کنار این شرایط، بسیاری از شاخص‌های مسکن روستایی تحت تأثیر معماری و هویت آن معنا می‌یابد که در بسیاری از ساخت‌وسازهای جدید این معیار مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چنین مسائل و معضلاتی درباره مسکن روستایی ضرورت توجه به آن در برنامه‌های توسعه فضایی کشور به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی را برای نهادهای ذی‌ربط افزایش می‌دهد. مهم‌ترین دلایل توجه به مسکن روستایی عبارت‌اند از: تحول شرایط زندگی روستایی و التزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش خسارات بلایای طبیعی (سیل، زلزله، طوفان و...)، الزامات بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و... از سویی فراهم آوردن شاخص‌های کیفی مسکن در بلندمدت تأثیر شگرفی بر بهبود فضای زیستی روستاها خواهد گذاشت و این منافع تنها منحصر به بعد کالبدی و فیزیکی روستا نخواهد شد. با این تفاسیر پرداختن به موضوع مقاوم‌سازی و نوسازی و بهسازی مسکن روستایی از اهم موضوعات پیش روست. یکی از طرح‌هایی در این زمینه که توسط بنیاد مسکن در سال ۱۳۷۴ هم‌زمان با طرح اصلاحی روان‌بخشی در روستا اجرا شد، طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است. بهسازی از نظر لغوی به معنای توان بخشیدن دوباره، باز توان بخشیدن و دوباره توانمند کردن است؛ ولی در اصطلاح به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به‌منظور ابقاء و بهبود کالبد و فضای بافت و بهبود کیفیت زیست بومی روستائیان با بهینه‌سازی ساختار فرهنگی و کالبدی جوامع روستایی در راستای سازمان‌دهی فرآیند توزیع عادلانه امکانات زیربنایی و تسهیلات رفاهی در کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد.

مسکن در میان نیازهای انسان یکی از نیازهای مهم است. در گذر زمان سیر تکوینی زندگی اجتماعی باعث گردید که انسان شکل‌های متفاوتی از مسکن را تجربه کند. مسکن شهری امروز گونه‌هایی از دستاورد بشر می‌باشند اما مسکن روستایی به غیر از کارکرد مسکن شهری (محل آسایش خانواده) محل فعالیت‌های اقتصادی در روستا نیز می‌باشند. در خانه‌های روستایی فضاهای مختلف و لازم برای کار و زندگی، انبار کالاها و آذوقه، نگهداری دام و انجام مراسم مهیا است. در واقع خانه‌های روستایی را می‌توان تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی - معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار در شکل برخی آن‌ها دانست. با توجه به کارکرد مسکن روستایی که هم جنبه اقتصادی و هم جنبه سکونت دارد بررسی تحولات مسکن روستایی و اثرگذاری آن‌ها بر کیفیت محیطی اهمیت می‌یابد. در بخش سنگر ایجاد تعادل بین احداث مسکن در قالب ساخت‌وساز نوین و شیوه سنتی بومی آن، امری ضروری تلقی می‌گردد. احداث بسیاری از مسکن قدیمی به‌صورت بومی به‌صرف غیر

آکادمیک بودن علوم بومی، دلیل بر نامطلوبی آن نیست بلکه شاید در بسیاری از موارد جنبه‌های توجه و احترام به کیفیت محیطی بسیار پررنگ‌تر از زمان حال درخور توجه و اهمیت بوده که با ذهن خلاق انسان سنتی و بومی به صورت ابنیه‌ای قابل ذکر متبلور گردیده است. استفاده از هر گونه تغییر و تحول به‌کارگیری و ادغام با قابلیت‌های مبنای بومی می‌تواند در همسویی با محیط و یا کیفیت محیطی تأثیرگذار باشد.

در بخش سنگر روند تحولات به‌خصوص در شیوه زندگی روستاییان سریعاً تغییر یافته است و بطوریکه طی چند دهه اخیر، روستاها، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، از لحاظ زیستی و فرهنگی، دچار دگرگونی فزاینده‌ای شده‌اند. در دوره پیش از مدرن که مربوط به حدود نیم قرن پیش است، روستا همواره الگوی تولید بوده و به عنوان بنیان شهر، از اهمیت اقتصادی و اجتماعی زیادی برخوردار بوده است؛ اما پس از گسترش مدرنیسم و با توسعه امکانات و خدمات رفاهی در روستا تغییراتی نیز در شیوه یا سبک زندگی روستایی پدید آمد که ساختار و شکل خانه نیز متناسب با آن دستخوش تغییر و تحول شد در مجموع در روستاهای بخش سنگر به دلیل اینکه مسکن روستایی به‌عنوان کانون متمرکز و تبلور کالبدی ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی روستاییان است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بعد کلان، عملکرد مسکن در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه از نقطه نظر نقش آن در ایجاد اشتغال و جریان سرمایه و نهایتاً ایجاد رفاه و آسایش روانی و فکری جامعه اهمیت خاصی یافته و در بعد خرد نیز دستیابی به مقوله عمران و روستایی به‌عنوان عنصری مهم از پیکره اقتصادی کشور، لزوم توجه به مسکن روستایی را ضروری می‌سازد.

تحلیل شرایط کمی و کیفی محیط خصوصاً محل زندگی انسان (مسکن روستایی)، از طریق روش‌های کمی و مدل‌های مختلف تجربی و برنامه‌ریزی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت محیط به کار می‌رود. بررسی مؤلفه سرزندگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کیفیت محیط نیز در همین راستا قرار دارد. در این بین شناسایی و سنجش شاخص‌های تحولات مسکن مربوط به ایمنی، بقا و سازگاری به‌عنوان زیرشاخه‌های سرزندگی لازم و ضروری است. کاربرد ضوابط ذکر شده بسیار جامع و لازم بوده زیرا جهت استفاده در برنامه‌ریزی بلندمدت برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در رابطه با عوامل کالبدی و غیر کالبدی محیط مسکونی ارزشمند می‌باشند. به همین جهت دیدگاه ساکنین که در روند تغییرات و تحولات مسکن بر کیفیت محیط اثرگذار هستند بسیار حائز اهمیت است. به همین دلیل در این مقاله تلاش شد تا با تبیین این شاخص‌ها بتوان در روند تحولات مسکن که مقوله‌ای اقتصادی نیز محسوب می‌شود به یک استاندارد دست‌یافت تا بر اساس آن کیفیت محیطی در راستای این تحولات به‌گونه‌ای سازمان‌یافته قرار گیرد تا آسیب کمتری متوجه محیط گردد. لازم به ذکر است که تنظیم چهارچوب تجربی این پژوهش از طریق پرسش‌های کارشناسی و همچنین مطالعات میدانی تکمیل شده است و در هر مرحله معیارها و مؤلفه‌ها تکمیل گشته و نهایتاً گویه‌های نهایی تشکیل شد. در نهایت کلیه یافته‌های تحقیق حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت.

بخش اعظم کیفیت محیطی از سه شاخص تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ویژگی‌های کالبدی، ویژگی‌های کارکردی و ویژگی‌های محتوایی. بررسی کیفیت محیط روستاهای منطقه مورد مطالعه بر مبنای امتیاز شاخص‌ها و بر اساس ارزش‌گذاری لیکرت و با در نظر گرفتن اختلاف میانگین از میانه نظری (عدد ۳) انجام شد. به همین منظور،

برای به دست آوردن تأثیر بهره‌گیری از دانش بومی در تحولات مسکن بر ایجاد شاخص معنی در کیفیت محیطی از نظر جامعه آماری از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱۹، ملاحظه می‌شود بخش مورد مطالعه در ارتباط با بهره‌گیری از دانش بومی با به دست آوردن میانگین ۲/۹۱ از کیفیت محیط نسبتاً پایینی برخوردار می‌باشد؛ در ارتباط با شاخص معنی در کیفیت محیطی، این منطقه با به دست آوردن میانگین ۳/۰۶ دارای محیط سکونت نسبتاً مطلوبی از دیدگاه پرسش‌شوندگان است. در نهایت نیز، با ترکیب شاخص‌های بهره‌گیری از دانش بومی و شاخص معنی، وضعیت کلی کیفیت محیط منطقه مورد مطالعه به دست آمد که با توجه به جدول ۳، میانگین کلی در حد ناچیزی (۰/۰۱) کم‌تر از حد متوسطه گویه‌هاست؛ هرچند این امر نشان‌دهنده کیفیت مناسب این منطقه نیست، ولی با کمی اغماض می‌توان چنین استنباط کرد که کیفیت محیطی روستایی این بخش در وضعیت خوب (متوسطی) قرار دارد.

جدول شماره ۱۹- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای شاخصهای مربوط به بهره‌گیری از دانش بومی و شاخص معنی

آماره				
شاخص‌ها	میانگین	آماره T	معنی داری	نتیجه
کیفیت کالبدی	۳/۰۳	۵۲/۸۰	-/۰۰۰	رد H ₀
کیفیت کارکردی	۲/۳۱	۳۷/۴۰	-/۰۰۰	قبول H ₀
کیفیت محتوایی	۳/۳۹	۶۲/۹۲	-/۰۰۰	رد H ₀
بهره‌گیری از دانش بومی	۲/۹۱	۵۲/۵۶	-/۰۰۰	قبول H ₀
آماره				
شاخص	میانگین	آماره T	معنی داری	نتیجه
شاخص معنی	۳/۰۶	۵۲/۸۷	-/۰۴۰	رد H ₀

منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

- ارجمندیان، اصغر (۱۳۷۰)، جمعیت و مسکن، مجله محیط‌شناسی شماره ۱۶ مطالعات فرهنگی
- اصغری مقدم، محمدرضا (۱۳۸۴)، مطالعات محیطی در برنامه‌ریزی روستایی
- امیر انتخابی، شهرام (۱۳۸۱)، تحولات مکانی و فضایی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه طارم علیا از زمین‌لرزه خرداد ۱۳۶۹، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۹۷
- اهری، زهرا و همکاران (۱۳۶۷)، مسکن حداقل، انتشارات مرکز
- بازن، مارسل کرسیتیان (۱۳۶۷)، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفر امین فرشچیان
- بحرینی، سید حسین (۱۳۸۸)، طراحی شهری معاصر، تهران: دانشگاه تهران.
- بهرامی، یدا... (۱۳۸۳)، بررسی توانمندی‌های محیط جغرافیایی شهرستان آستارا در توسعه صنعت گردشگری
- بهزاد نسب، جانعلی (۱۳۷۳)، مسکن روستایی در ایران، سمنار سیاست های توسعه مسکن د ایران دانشگاه تهران، وزارت مسکن و شهرسازی
- بهفروز، فاطمه (۱۳۵۶)، پژوهش‌های در مسکن روستائیان منطقه بیابانی شرق کاشان، دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران

- پاپلی یزدی، محمد حسین وثوقی خزائیف فا(۱۳۷۹)، مسکن طوائف ترکمن، تحلیل کارکردی یک تحول تکنیکی و اجتماعی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۵۸ و ۵۹ سال پانزدهم
- پاکزاد، جهانشاه(۱۳۷۹)، طراحی شهری در نظام توسعه، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰
- پاکزاد، جهانشاه(۱۳۸۶)، مقالاتی در باب طراحی شهری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تفهیمی، رحمان(۱۳۸۹)، کاربرد ابعاد رویه‌ای طراحی شهری در تدوین چشم انداز، مجله آبادی، شماره ۶۸
- تولون، ب(۱۳۷۴)، جغرافیایی سکونت(سکونتگاه‌های روستایی) ترجمه محمد مظاهری، انتشارات تربیت معلم
- خلیفی، نوید(۱۳۸۶)، بررسی فرهنگی الگوهای مسکن روستایی، فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۱۸
- دلال پورمحمدی، محمدرضا(۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، انتشارات مهر
- ذکوات، کامران(۱۳۷۸)، جایگاه طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی توسعه شهری، مجله شهر نگار.
- ذکوات، کامران(۱۳۷۹)، ضرورت حضور طراحی شهری در فرایند تهیه طرح جامع.
- رجائی، عبدالحمید(۱۳۷۳)، کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین(مدیریت محیط، نشر قومس
- زرگر، اکبر(۱۳۶۴)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات شهید بهشتی
- زمردیان، محمدجعفر(۱۳۸۱)، کاربرد جغرافیای طبیعی و برنامه‌ریزی شهری منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه پیام نور
- زیادی، کرامت ا... (۱۳۷۴)، سیاست مسکن ارزان قیمت، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، جلد دوم
- سعیدی، عباس(۱۳۷۵)، شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، انتشارات بنیاد و مسکن انقلاب اسلامی
- سعیدی، عباس(۱۳۷۹)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت
- لطفی، صدیقه(۱۳۸۸)، مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره ۱، شماره ۴
- مدنی پور، علی(۱۳۸۴)، فضاها عمومی و خصوصی بابک محقق، فصلنامه ایرانشهر،
- معماریان، غلامحسین(۱۳۷۱)، آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه شناسی برون‌گرا)، انتشارات ایران
- یرتی پور، محسن(۱۳۸۶)، معماری مسکن در روستاهای ایران، فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۱۹
- Beiti, Hamed. (2012). Analyzing position of the local patterns in upgrading countryside dwelling(Case Study: East Azerbaijan province), [In Persian], Journal of Urban Management Plan, No. 29, Pages 115-130
- Bentley, Yan. (2003). Responsive environments: a manual for designers, Translation by Mostafa Behzadfar, First Edition, Tehran: Center for Publications of the University of Science and Technology.
- Cremona, Matthew, Tisdale, Steve. (2003). Reading urban design concepts. Translation by Kamran Zakavat and Farnaz Farshad, Tehran: Azarakhsh Publications.
- Golkar, Kourosh. (2001). Components of Urban Quality, [In Persian], Safeh Journal, Shahid Beheshti University, Publication, No. 32, Pages. 38-68.
- Hannachi, Pirooz, Kousheshgaran, Akbar. (2008). Valuable texture of villages explores strategies, policy interventions in the structure, [In Persian], Journal of Abadi, No. 59, Pages. 31-24.
- Lang, John. (2007). Urban Design (Typology of Procedures and Design), translation by Seyyed Hossein Bahreini, Tehran: Tehran University Publication.
- Lynch, Kevin. (2005) A Theory of City Form, translated by Seyyed Hossein Bahreini, Tehran: Tehran University Publication.
- Marans, R.W. 2003. Understanding environmental quality through quality of life studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicator, Journal of Landscape and Urban Planning, No. 65: Pages. 73– 83.
- Pakzad, Jahanshah. (2007). (Articles on Urban Design), [In Persian], by Elham Sour, Tehran: Shahidi Publication.

Saedi, Abbas. (1994). Socioeconomic Requirements in the Construction of Rural Homes, Seminar Articles on Housing Development Policies in Iran, [In Persian], First Edition, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Publication.

